

تحلیل «کمان‌کشی بر سر بیمار» در شعر حافظ شیرازی

محمد هادی خالق‌زاده

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

asatirpars@gmail.com

چکیده

ادبیات فارسی ناگزیر است که فرهنگ و ادبیات شفاهی و عامیانه را در متن و بطن خویش پذیرا باشد. حافظ از جمله شاعرانی است که فرهنگ شفاهی زمان خود را پروریده و در آینه هنر اشعارش انعکاس داده است. در غزلیات وی بیتی است به قرار ذیل:

با چشم و ابروی تو چه تدبیر دل کنم؟
وه زین کمان که بر سر بیمار می‌کشی
ضبط این بیت بر اساس چاپ ابوالقاسم انجوی است و پرویز ناتل خانلری و محمد قزوینی و قاسم غنی "بر من بیمار" آورده‌اند اما حسین‌علی هروی "بر سر بیمار" را درست‌تر و ضبط حافظ قدسی را شاهدی بر این مدعا می‌داند. به هر روی، "کمان کشیدن بر سر بیمار" محل بحث است. در گذشته رسمی بوده که چون از بهبودی بیمار نومید می‌شدند، سینی بزرگی در کنار بیمار نگه می‌داشتند و بی‌آنکه خود او متوجه باشد گلوله‌ای گلین در کمان می‌گذاشتند و به شدت به آن سینی می‌زدند تا بیمار با شنیدن آن صدای غیرمنتظره، بترسد و بهبودی یابد. این پژوهشگر در این مقاله که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده، در پی آن است که با کاوش در فرهنگ عامه، ادبیات فارسی و طب سنتی این موضوع را مورد بررسی قرار دهد و با ذکر ریشه‌های اساطیری و مبنای طب سنتی همراه با کلیدواژه‌های این رسم مثل کمان، گلوله گلین، سینی، بانگ و بیماری، چونی و چرایی این باور را تحلیل نماید.
واژه‌های کلیدی: بیمار، حافظ، طب سنتی، فرهنگ عامیانه، کمان‌کشیدن.

۱. مقدمه:

فرهنگ عامیانه، جزئی از میراث اجتماعی و معنوی جامعه است. فرهنگ عامه در اصطلاح به مجموع افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، چیستان‌ها، رقص‌ها، پیشگویی‌ها، اعتقادات و مراسم تولد، مرگ، ازدواج، کشاورزی، پیشگیری و معالجه بیماری‌ها و به طور کلی آداب و رسوم و عقاید که به صورت

شفاهی یا از طریق تقلید و تکرار از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود، اطلاق می‌گردد. یکی از رازهای دیرینه حافظ شیرازی، استفاده وی از فرهنگ عمومی و رسوم زمانه و آمیختن آن با بینش شعری است. یکی از این رسوم، "کمان‌کشیدن بر سر بیمار" است که در دو بیت از غزلیات حافظ تکرار شده است. استاد شفیع کدکنی در مورد این رسم می‌گوید: «گویا شواهد چندان زیادی در این باب در دسترس نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۱: ۱۱۹) بنا به همین سخن پژوهشی صورت گرفت و برخی شواهد در شعر فارسی به دست آمد که منجر به نگارش این مقاله گردید. این پژوهشگر در این مقاله که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده، در پی آن است که با کاوش در فرهنگ عامه، ادبیات فارسی و طب سنتی این موضوع را مورد بررسی قرار دهد و با ذکر ریشه‌های اساطیری و مبنای طب سنتی همراه با کلیدواژه‌های این رسم مثل کمان، گلوله گلین، سینی و بانگ و بیماری به واکاوی و چرایی این رسم و باور پردازد.

۱.۱. پیشینه تحقیق

در مورد رسم کمان‌کشی بر سر بیمار و ارتباط آن با بیت حافظ، نخستین بار ابوالقاسم انجوی شیرازی در تصحیح غزلیات حافظ (۱۳۴۵) به کوتاهی سخن راند و هم او نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «دشواری‌های تصحیح دیوان خواجه حافظ» (۱۳۵۱) چند جمله به نکات پیشین افزود. احمد مدنی در کتاب طبیبانه‌های حافظ (۱۳۷۹) مفصل‌تر از دیگران این رسم را تشریح می‌کند اما از نمونه‌های ادبی دیگر بی‌اطلاع بوده و ذکری از دیدگاه‌های اساطیری و طبی این رسم به میان نمی‌آورد. پس از آن، اغلب شارحان اشعار حافظ تنها به نقل قول از انجوی شیرازی پرداخته‌اند که یا همچون سعید حمیدیان در شرح شوق (۱۳۹۶) و محمد رضا برزگر خالقی شاخ نبات حافظ (۱۳۸۲) و حسین علی هروی در «نکته‌هایی در تصحیح دیوان حافظ» (۱۳۶۴) آن را پسندیده‌اند یا مثل زریاب خویی در آیینة جام (۱۳۹۹) آن را مردود دانسته است. به هر روی، هیچکدام از محققین پیشین به چونی و چرایی این رسم و علت اساطیری و طبی نپرداخته‌اند، یا به تأثیر آن در فرهنگ عامیانه مردم ایران اشاره نکرده‌اند.

۲. بحث و بررسی

۲.۱. اختلاف نسخه‌های دو بیت حافظ

در دیوان حافظ دو بیت مشتمل بر این موضوع وجود دارد، نخست بیتی به قرار ذیل:

با چشم و ابروی تو چه تدبیر دل کنم؟
وَه زین کمان که بر سر بیمار می‌کشی

(حافظ، ۱۳۴۵: ۲۵۳)

ضبط این بیت بر اساس چاپ انجوی است و خانلری، پژمان، فرزاد، هروی و قزوینی - غنی "بر من بیمار" آورده‌اند و زریاب نیز با ایشان هم عقیده است، اما هروی "بر سر" را درست‌تر می‌داند و ضبط حافظ قدسی را شاهدهی بر این مدعا. زریاب خویی می‌نویسد: «دو تن از حافظ‌شنا سان یعنی آقایان سید ابوالقاسم انجوی شیرازی و دکتر حسین علی هروی به استناد دیوان حافظ چاپ قدسی "بر سر بیمار می‌کشی" را درست دانسته‌اند... اما من گمان نمی‌کنم که حافظ، نظری به این رسم داشته است» (زریاب خویی، ۱۳۹۹: ۳۱۸) بهروز ثروتیان در شرح غزلیات حافظ بدون اشاره به این رسم می‌نویسد: «دارای تشبیه پنهانی است که به عنوان شاهد مثال از نمونه‌های شعری است. "چشم" محبوب را به صورت پنهان و پوشیده شاعر به خودش مانند کرده است از نظر بیماری و بالکنایه به بیمار و خمار بودن چشم اشاره‌ای دارد.» (حافظ، ۱۳۷۹: ۹۷۸)

حافظ در بیتی دیگر از رسم آوردن و آویختن کمان بر سر بیمار یاد می‌کند، در بیت زیر که ضبط انجوی شیرازی است همین موضوع تکرار می‌گردد:

عفاله چین ابرویش اگر چه ناتوانم کرد به رحمت هم کمانی بر سر بیمار می‌آورد

(حافظ، ۱۳۴۵: ۹۵)

غنی و قزوینی، خانلری، و جاوید - خرم‌شاهی در نسخه‌ی اساس خویش "به عشوه هم پیامی بر سر بیمار می‌آورد" ضبط کرده‌اند. خانلری در زیرنویس یکی از اختلاف‌ها را به جای پیامی، "نباتی" ذکر می‌کند (حافظ، ۱۳۶۲: ۳۰۱) اما مسعود فرزاد در این بیت "کمانی" را ضبط کرده و می‌نویسد: «کمانی، استنباط استاد جلال‌الدین همایی است و من به سهم خود یقین دارم که قضاوت ایشان صحیح و بسیار مبتکرانه و فاضلانه است» (فرزاد، ۱۳۵۳: ۵۸۰) برزگر خالقی در معنای بیت می‌نویسد: «خواجه خود را به بیمار مانند کرده است و می‌فرماید: آفرین بر چین ابروی معشوق که اگر چه مرا ناتوان و بیمار کرد، ولی ناز و غمزه ابروهای کمانی، پیام عافیت و سلامتی برایم آورد و همچنین اشاره‌ای هم به چشم بیمار و خمار معشوق دارد که عشوه و حرکات ابرو بر سر و بر بالای چشم بیمار او رخ می‌دهد.» (برزگر خالقی، ۱۳۸۲: ۳۷۵)

۲.۲. رسم کمان‌کشی بر سر بیمار